

عنوان مقاله:

اشغال نظامی در سیر تحول حقوق بین الملل

محل انتشار:

دومین کنفرانس ملی حقوق، فقه و فرهنگ (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 13

نویسنده:

پیمان حکیم زاده خوئی - استادیار و عضو هیات علمی گروه حقوق بین الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، ایران

خلاصه مقاله:

ممنوعیت تصرف سرزمین به واسطه اشغال نظامی اصلی است مسلم و بلامنازع که از قابل قبول نبودن کاربرد زور به آن گونه که در منشور سازمان ملل متحد مقرر شده است و در بند ۱۰ اعلامیه اصول حاکم بر روابط دوستانه و همکاری میان کشورها ۱۹۷۰ تکامل یافته، منتج می شود. این ممنوعیت در بند ۳ ماده ۵ و در بند ۷ مقدمه قطع نامه تعریف تجاوز نیز مورد تاکید قرار گرفته است. قطع نامه تعریف تجاوز در بند ۳ ماده ۵ مقرر می دارد: "هیچگونه تصرف ارضی یا امتیاز ویژه ناشی از تجاوز، قانونی شناخته نمی شود و نخواهد شد." بند هفتم مقدمه قطع نامه مبین آن است که سرزمین یک دولت نباید از راه اشغال نظامی، هرچند موقت، یا اقدامات قهرآمیز دولتی دیگر با نقض منشور ملل متحد مورد تعرض قرار گیرد و آن سرزمین نباید در نتیجه این اقدامات یا تهدید به آن ها، تحت تصرف دولت دیگر در آید. واضح و مبرهن است که تایید غیر قانونی بودن تصرفات ارضی یا امتیاز ویژه ناشی از تجاوز در قطننامه تعریف تجاوز، تکرار یک قاعده شناخته شده حقوق بین الملل و نمایانگر حساسیت دولت ها نسبت به سرزمین هایشان بوده است. از این رو، امروزه از لحاظ قانونی هیچ سرزمینی را نمی توان از طریق اشغال نظامی به کشور دیگر منضم ساخت. امروزه پیوستگی مرحله جنگ با اشغال این امر را تقویت می کند که شاید پرداختن به مقررات حاکم و تکالیف دولت اشغالگر، در زمانی که مساله اشغال در صحنه بین المللی هم از نظر حدوث و هم به لحاظ استمرار موضوعیت بیشتری یافته است ضروری تر از بررسی مساله مخاصمه تلقی شود. اکنون که دولت فاتح به هدف خویش یعنی تسلط بر سرزمین دشمن نایل آمده است و در نزدیک ترین و مهم ترین مرحله تعامل با قربانیان خود قرار دارد، ضروری است دانسته شود چه قواعد و مقرراتی می باید و می تواند رفتار او را از جهات متعدد کنترل کند، چه وظایف و تکالیفی در خصوص ساکنان و سرزمین اشغالی بر عهده اوست، چه ضمانت اجرایی در صدد استحکام این قواعد و لزوم پذیرش و اجرای آن ها توسط قدرت اشغال گر می باشند. در واقعا به دنبال پاسخ به این سوال هستیم که آیا اصلا دولت اشغال گر تکالیفی در قبال ساکنان و سرزمین اشغالی بر عهده دارد؟ و اگر ما جواب این سوال را مثبت فرض کنیم، حدود و نحوه انجام این تکالیف چگونه است؟ آیا دولت اشغال گر در همه اوضاع و احوال ملزم به اجرای آن هاست و یا اینکه تحت شرایطی خاص می تواند از انجام همه یا برخی از آن ها خودداری کند؟

کلمات کلیدی:

اشغال نظامی، حقوق بین الملل، تکلیف دولت ها، مخاصمه، سرزمین اشغالی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1511244>

